

فرمانده گروهان غواصان در کربلای ۴ که بود؟

۱۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۵

غواص شهیدی که در عملیات کربلای ۴ در پنجم دی ماه سال ۱۳۶۵ در حالی که فرماندهی گروهان غواصان را بر عهده داشت در منطقه ام‌الرصاص عراق شربت شهادت نوشید

یعقوبعلی محمدی معاون گردان ولیعصر(عج) بود. این غواص شهید در عملیات کربلای ۴ در پنجم دی ماه سال ۱۳۶۵ در حالی که فرماندهی گروهان غواصان را بر عهده داشت در منطقه ام‌الرصاص عراق شربت شهادت نوشید. یعقوبعلی محمدی فرزند لطفعلی متولد زنجان است. این سردار دلیر دریا دل، در سال ۱۳۴۰ و در دیار زنجان قدم به دنیا گذاشت. او در دوره نوجوانی موفق به اخذ دیپلم فنی مکانیک عمومی از هنرستان فنی شد. او بارها با گروه‌های ضد انقلاب درگیر و حتی تهدید به ترور شد. با شروع جنگ تحمیلی به صورت داوطلبانه از طریق بسیج به جبهه اعزام شد. او با حضور مردانه اش در عملیات‌های زیادی شرکت کرد. او در عملیات‌های شکست حصر آبادان، فتح المبین، بیت المقدس، والفجر مقدماتی، والفجر ۳، والفجر ۴، عملیات والفجر ۶، خیبر، بدر، والفجر ۸ و کربلای ۴ - بوارین (شهادت) شرکت داشت و بارها در جریان این عملیات‌ها مجروح شده بود. در عملیات بیت المقدس از ناحیه سر، در والفجر ۴ بر اثر اصابت ترکش، در عملیات بدر از ناحیه دست، در عملیات والفجر ۸ از ناحیه دست و سکم و ریه به شدت مجروح شده بود و بارها مقام جانبازی را تجربه کرده بود. و سرانجام در جزیره بوارین عراق و در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید.



یکی

از دوستان شهید از شوخ طبعی او خاطره‌ای را در جبهه چنین نقل می‌کند: برای اولین بار در باختران با هم آشنا شدیم. بسیار جدی بود و به ندرت می‌خندید. با اینکه اهل نماز شب و تهجد بود و هر شب بدون استثنا برای راز و نیاز بلند می‌شد، اما هرگز بروز نمی‌داد. گاهی هم به شوخی می‌گفت: «لطفا برادرانی که اهل نماز شب هستند، وقت عملیات دور و بر ما نچرخند. اونا هر جا که می‌روند، خمپاره را هم به دنبال خود می‌کشند و بایستی تاوان نماز شب اون‌ها را هم ما پس بدهیم!» گاهی هم می‌گفت: «اشتباهی وضو بگیرد و نمازتان را اشتباهی بخونید تا خمپاره به سراغ سنگرهایتان نیاید!» یکبار من و شهید باقر فتح اللهی، چند روز او را زیر نظر گرفتیم. نیمه‌های شب که می‌شد، بی سروصدا بر می‌خواست و به نماز شب می‌ایستاد. یک روز از او پرسیدم: «یعقوب، راستی! چرا این کار را پنهانی انجام می‌دهی؟ نماز خواندن که این حرفها را ندارد!» و او در جوابم گفت: «این کار که بزرگترین عامل رشد آدم است، اگر خدای ناکرده از روی ریا و خودنمایی باشد، بزرگترین مانع رشد خواهد بود. اگر دیدید کسی نماز شبش را جلوی چشم همه می‌خواند، بدونید که یا خیلی بالا بالاها رسیده یا اینکه آدم خطرناکیه و باید ازش ترسید.»



فرازی از وصیت نامه شهید: «...در تشییع جنازه من فقط ذکر خدا را داشته باشید و الله اکبر را تکرار کنید. مبدا در این مورد بدگویی به انقلاب شود. در این موقعیت حساس که عاشورای حسین(ع) بار دیگر در ایران زنده شد و نشان داد حسین‌ها هنوز هستند و تا حکومت الله را در سراسر جهان برقرار سازند به پیکار علیه کفر ادامه می‌دهند. آری به میدانی قدم نهاده‌ام که نتیجه‌اش از قبل گرفته و با ایمان کامل پیکار می‌کنم، چون اگر در میدان کشته شوم، به مقام والا دست یافته و راه حسین(ع) را رفته‌ام و اگر زنده ماندم، شاهد پیروزی بزرگی که همان پیروزی مسلمین بر کفار است، خواهیم برد.

«و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا...» و عاقبت زمین به متقین و صالحین به ارث گذاشته می‌شود «و جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا» که این وعده خداوند است: «و لایخلف الله وعده ان وعد الله حق» ما می‌توانیم با نثار خون، خونی که در مقابل اسلام ناچیز است، زمینه حکومت مهدی(عج) به زودی است. به عقیده من هرکس در سپاه باشد و پیرو خط امام زمان(عج) و رهبر انقلاب امام خمینی باشد، باید در راه خدا جهاد کند و از جان و مال و زندگی‌اش دریغ نکند و ما ایرانیان مثل مردم کوفه نیستیم که در کوفه حضرت مسلم(ع) و در صحرای کربلا امام حسین(ع) را گذاشتند. اکنون وقت انجام وعده‌ای که من برای خود داده‌ام، فرا رسیده است و با پیام حسین زمان، خمینی کبیر دیگر نتوانستیم، طاقت بیاورم و برای احیای اسلام عزیز و انجام وعده خود، داوطلبانه از پادگان آموزشی به جبهه اعزام شدم.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۹۰۳/خواصانگروهانفرمانده/۳۰۹۰۳>